

רמזי הענה

«رُش هَشا»



ראש השנה

۸۳۰۷۶

«رُشْشَانَا»



کتابخانه ملی

تهیه و تنظیم

داود شوفط

تیشری ۵۷۳۴ مطابق مهرماه ۱۳۵۲

فهرست

صفحه

۲	پیش گفتار
۳	فصل اول
	مقدمه - «رش هشانا» در منابع مختلف مذهبی - در «تورا» - در سایر آثار مذهبی نام‌های مختلف «رش هشانا».
۱۱	فصل دوم
	قوانین و مراسم «رش هشانا» - قرائت فصل بیست و هفتم از مزامیر حضرت داود (ع) - سلیחות - زیارت اموات - مراسم شب «رش هشانا» - براخای شمع شب «رش هشانا» - شام «رش هشانا» - «تشلیخ».
۱۹	فصل سوم
	تفیلاهای (نمازهای) «رش هشانا» - ملخویوت - زیخرونوت - شوفاروت - سرود یاه‌شیمخا.
۳۰	فصل چهارم
	منتخباتی از «تورا» و «هفتارا» که در «رش هشانا» قرائت میشوند. هفتارای روزاول «رش هشانا» - تلاوت «تورا» در روزدوم «رش هشانا» - هفتارای روزدوم «رش هشانا».
۳۸	فصل پنجم
	«شوفار» - علت نواختن «شوفار» - صداهای «شوفار»



جایگاه «تُورا» که از چوب در قرن هجدهم ساخته شده و درموزه «هخال شلمو» شهر «یروشالیم» نگهداری میشود. ترجمه کلمات عبری : (برای عبادت پروردگار باید) مانند پلنگ قوی، مانند عقاب سبک، مانند غزال سریع و مانند شیر دلیر بود .

پیش گفتار

دین یهود اعیاد زیبا و جالبی دارد . هر يك از این اعیاد دارای فلسفه ای بس عمیق و قابل مطالعه است. برای آشنا کردن برادران و خواهران یهودی خود با این اعیاد ، از این پس کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران جزوه هایی منتشر خواهد کرد که این نشریه یکی از آنهاست. علاوه بر این سعی میشود در باره تاریخ یهود ، فلسفه و رسوم یهودی نیز مقالاتی تهیه و منتشر شود . امید است که این خدمت اجتماعی مورد قبول و تأیید همگان قرار گیرد.

کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران

فصل اول

مقدمه

شادی و غم در زندگی توامند ، ولی هیچگاه نمیتوان ارتباط و پیوستگی این دو را مانند روز آغاز سال جدید حس کرد . سال گذشته با تمام ناراحتی‌ها و یأس‌های آن سپری میشود ، سال جدید با تمام امیدها و آرزوها فرا میرسد . طبیعی است که انسان اندیشمند فرا رسیدن سال جدید را غنیمت می‌شمرد و درباره ارزش زندگی ، هدف ، و معنا و مسائل آن بتفکرو تفحص می‌پردازد . بدین سبب است که آغاز سال جدید یهودی با جشن و سرور و پای کوبی همراه نیست بلکه آغاز آن با ده روز تفکر و توبه دنبال میشود . در این ده روز هر شخص باید ارزش‌یابی دقیقی از زندگی سال گذشته خویش بعمل آورد و در بهبود کیفیت زندگی خود بکوشد . اگرچه شخص از نتیجه این ارزش‌یابی و وضع زندگی خود ناراضی باشد ، چنانچه با ایمان باشد بطور قطع به ارزشمند بودن موهبت زندگی معترف خواهد بود .

«رُش هَشانَا» عیدی است موقر و هیبت آور ولی با وجود این يك «عید» است . بزرگترین خصوصیات این روز روحیه مطمئن انسان است که به جستجوی راهی برای غلبه بر مشکلات زندگی و بهبود آن می‌پردازد و برای این منظور برخدا توکل مینماید .

روزهای «رُش هَشا» و «کیپور» در مهمترین مکان تقویم یهودی جای دارد. این روزهای با هیبت آمیخته با احترام، هر فرد یهودی را بسوی «کنیسا» میکشانند و هر فکری را بسوی پروردگار مشغول میگردانند. این ایام قادر بوجود آوردن تحولات روحانی بزرگی در هر یهودی است و چه بسا افرادی توانسته‌اند در چنین روزهایی پایه‌های زندگی جاویدانی برای خود بنا نهند.

«رُش هَشا» در منابع مختلف مذهبی

الف - در «تُورا»

در هیچ يك از آیات «تُورا» (۱) از «رُش هَشا» بعنوان عیدی که ما امروزه آنرا «آغاز سال» مینامیم ذکر نشده است. ولی واژه «رُش هَشا» در آیه اول از فصل چهارم کتاب حضرت «یحزقل» نبی (ع) آمده است:

«در سال بیست و پنجم اسارت ما، در ابتدای سال، در دهم ماه، چهارده

سال بعد از اینکه شهر خراب شده بود (زده شده بود)، در همان روز،

قدرت ذات خداوند بر من نازل شد و مرا بآنجا برد.»

در این آیه به اینکه جشن و یا عیدی در «ابتدای سال» گرفته میشد، اشاره‌ای نشده است. فرمان ماه شماری اولین مرتبه در «تُورا» در فصل دوازدهم سِفِر «شِمؤت» (خروج) بحضرت موسی (ع) وقوم اسرائیل داده شد. در این ماه شماری، ماههای سال از فصل بهار، فصلی که ملت اسرائیل از بندگی مصریان آزاد شد، شروع میشود.

نتیجه اینکه ماهی که آنرا ماه «تیشری» مینامیم و اصل آن بابلی است، در «تُورا» بنام «ماه هفتم» آمده است. در تقویم یهودی، ماه شماری از فصل بهار و

(۱) منظور پنج کتب اول «تُورا» است که عبارتند از: سِفِر بِرِشیت (پیدایش)، سِفِرِ شِمؤت

(خروج)، سِفِر وِیقرا (لاویان)، سِفِر بَمید بار (اعداد) و سِفِر دَواریم (تثیه).

از ماه «نیسان» شروع میشود که نام این ماه نیز نامی «بابلی» است. ملت یهود در طی سالهائی که در اسارت بابلی‌ها بود نام ماههای بابلی را اقتباس کرده، مورد استفاده قرار داد و تا به امروز نیز این نام‌ها مورد استفاده می‌باشد. جالب این است که در زبان بابلی «تیشری» از ریشه «سرف» Seru، مشتق میشود و معنای آن «شروع کردن» است. احتمال دارد که در بابل نیز آغاز سال جدید در اینماه بوده است. در «تورا» دستور داده شده که روز اول ماه هفتم را باید جشن گرفت. در این روز هیچگونه کاری، باستثنای کاری که مربوط به آماده کردن غذا باشد، انجام نداد، گرنّا (شوفار) نواخته شود.

«و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو، اولین روز ماه هفتم روز آرامش (استراحت) برای شما خواهد بود، یاد بودی که با نواختن گرنّا همراه است، هیچ گونه کار پر زحمتی نکنید...». سفر و یقرا (لاویان) فصل ۲۳ آیه ۲۵ - ۲۳.

«و در روز اول ماه هفتم اجتماع مقدس برای شما خواهد بود، هیچ کار پر زحمت نکنید، برای شما روز نواختن گرنّا خواهد بود». سفر میمدبار (اعداد) فصل ۲۹ آیه اول.

بعد از خواندن این آیات «تورا» سئوالی که مطرح میشود اینست که هدف از این عید چه بوده و یادگار چه وقایعی است. در کتاب مقدس نمیتوان جوابی برای این سئوال پیدا کرد اما میدانیم که برخی از اقوام قدیم سامی زبان شرق، پائیز و آخر فصل درو را ابتدای سال جدید محسوب می‌داشتند. احتمال دارد که «عید» ذکر شده در کتاب مقدس عید زراعتی و مبین شروع سال کشاورزی بوده

است . بعبارت دیگر ملت اسرائیل بدو طریق سال شماری میکردند . طریق اول از فصل بهار و بیادبود رهائی از بندگی مصریان شروع میشد . و طریق دوم از هفتمین ماه سال که براساس طبیعت و آغاز فصل کشاورزی پایه گذاری شده بود . اگر این نظر صحیح باشد ، انتخاب نام «رُش هَشاَن» بوسیله علمای یهود در دوران بعدی بطور صریح معرف عیدی است که بطور ضمنی از زمانهای بسیار قدیم در میان اسرائیل رایج بوده است .

«عِزْرَا هَسُوْفِر» که بنا بعقیده علمای یهود ، بعد از حضرت موسی (ع) بزرگترین مربی این قوم محسوب میشود ، در اولین روزماه هفتم ، قوم یهود را که بنا بفرمان پادشاهان ایرانی از اسارت بابل رهائی یافته و برای تجدید حیات ملی و تجدید بنای سرزمین اجدادی خود بسرزمین مقدس بازگشته بودند، در محلی جمع میکند و «تُور» و قوانین الهی را در حضور آنان قرائت مینماید . انعکاس این واقعه بزرگ تاریخی در فصل هشتم کتاب «نَحْمِیا» چنین است :

«... و عزرای کاهن «تُور» را در روز اول ماه هفتم به حضور

اجتماعی از مردان و زنان و کودکان و هر آنکه قادر بود بشنود و

مطالب آنرا درك کند آورد و آنرا در محوطه وسیع جلوی «دروازه

آب» ، از صبح زود تا نیمروز، در حضور مردان و زنان و آنانی که

میتوانستند بفهمند خواند و گوش همه مردم متوجه «تُور» بود... پس

آنان در کتاب ، قوانین الهی را بطور واضح خوانده و تفسیر نمودند

و بدین وسیله باعث شدند آنچه را که میخواندند دیگران بفهمند».

آیات ۸-۱۰

چنانکه ملاحظه میشود بین روز اول ماه هفتم و فکر تجدید میثاق قوم یهود

با خداوند ارتباطی موجود است. این روز مبین تصمیم راسخ ملت یهود در اطاعت و انجام قوانین الهی است. این اطاعت در دوران بعد بصورت پدیده‌ای برجسته در «رُش هَشانَا» درآمد. در دنباله این قسمت از کتاب «نَحْمِیا» آمده است که مردم شرکت کننده در این اجتماع تاریخی، به قصوری که تا بحال در انجام فرائض الهی ورزیده بودند آگاه شدند و چنان اندوه و ناراحتی آنانرا فراگرفت که عده‌ای گریستن آغاز نمودند. ولی رهبران ملت، «عِزرا» و «نَحْمِیا» به آنها میگویند:

«بروید، خوراکیهای لذیذ بخورید و آشامیدنی‌های شیرین بنوشید، و برای آن کس که هیچ چیز آماده ندارد سهمی بفرستید، زیرا امروز برای پروردگار ما روز مقدسی است، غمگین نباشید، زیرا سرور از لطف خداوند، نیروی شما است». نَحْمِیا فصل ۸ - آیه ۱۰.

ب - در سایر آثار مذهبی

در فصل اول «میشنا» (۱) مربوط به قوانین «رُش هَشانَا» از چهار وقت معین صحبت میشود و هر يك از این مواقع به «رُش هَشانَا» معروف اند. مثلاً: اول ماه «نیسان»، «اول سال عیدها» محسوب میشود. زیرا اعیاد یهود از پانزدهم این ماه شروع میگردند. ضمناً در زمان قدیم سالیان سلطنت پادشاهان یهود را از اول ماه «نیسان» حساب میکردند. ولی اساساً «رُش هَشانَا» کلمه‌ای است که برای «عیدی» که در ابتدای ماه هفتم واقع شده است بکار برده میشود.

عالم معروف قرن دوم میلادی «رَبِّی الِیعِزْر» چنین عقیده دارد که جهان در ماه «تیشری» آفریده شد. ولی عالم دیگر معاصر او «رَبِّی یهوشوع» میگوید که جهان در ماه «نیسان» آفریده شد. بعدها عقیده «رَبِّی الِیعِزْر» مورد قبول علمای یهود واقع

اولین مجموعه قوانین یهودی که در سال ۲۰۰ میلادی بوسیله «رَبِّی یهودا هئاسی» تالیف شده است.

شد و برحسب این عقیده در نمازهای مخصوص «رُش هَشانَا» ، این روز بعنوان روز تولد جهان آورده شده است .

علاوه بر آفرینش جهان وقایع مهم دیگری در تاربخ ملل و تاریخ یهود به روز «رُش هَشانَا» نسبت داده شده است . برای مثال چند واقعه را خاطر نشان میسازیم : حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسحق (ع) در ماه «تیشری» پای بعرصه وجود گذاردند و در این ماه دیده از جهان فرو بستند . در ماه «تیشری» بود که یوسف از زندان فرعون رهایی یافت و در همین ماه بود که دوران بندگی و بیگاری اجداد ما در مصر با تمام رسید . اگرچه عملاً شش ماه دیگر طول کشید تا اینکه از مصر خارج شدند . این خروج در ماه «نيسان» اتفاق افتاد . درخواست‌های رحمت و تفقد «سارا» زوجه حضرت ابراهیم (ع) و «راحل» زوجه حضرت یعقوب (ع) در اینماه مورد اجابت واقع شد و مزده بار دار شدن بآنان داده شد .

علمای یهود چنین عقیده دارند که روز «رُش هَشانَا» روز بزرگ داوری و اجرای عدالت الهی است . این روز بوسیله ده روز «توبه» دنبال میشود و روز «کیپور» روز پایان ایام «توبه» است : در «رُش هَشانَا» تمام مخلوقات «بمانند فرزندان مارون» از پیشگاه الهی عبور کرده داوری میشوند .

معنای دقیق این اصطلاح «بمانند فرزندان مارون» ، که منبع آن «میشنا» است ، بوسیله علمای یهود مورد بحث و مذاقه قرار گرفته است . بعضی از علمای یهود «مارون» را لغتی «آرامی» میدانند که بمعنای گوسفند است . انعکاس این عقیده در سرود زیبایی که در این ایام خوانده میشود آمده است . در این سرود ذات خداوند به شبانی مهربان و عادل تشبیه شده که تمام موجودات مانند گوسفندانی از حضورش عبور میکنند . گروهی دیگر از دانشمندان یهود را عقیده بر آن است

که معنای «مارون» گذرگاه تنگ و باریکی است که افراد يك کاروان مجبورند تك تك از آن عبور کنند. عده‌ای دیگر معنای «مارون» را «سیادت» دانسته و چنان تفسیر میکنند که بمثابة آنست که گروهی سرباز از جلوی فرمانده خود عبور کنند. تمام این تفاسیر يك فکر و يك عقیده را میرساند و آن اینست که ذات خداوند اعمال و کردار هر يك از مخلوقات خود را با دقت مورد بررسی قرار داده و آنان را تحت نظر دارد. این عقیده که در روز «رُش هَشانَا» هر فرد متدین و درستکاری لازم است که در اعمال و رفتار گذشته خویش تفحص و تفکر کند، عقیده‌ایست که در بسیاری از نمازهای این روز آورده شده است.

بطور کلی در یهودیت، جامعه بصورت يك واحد کامل دارای اهمیت بسزائی است و در ردیف اول قرار گرفته است. مذهب یهود مذهبی است اجتماعی نه انفرادی، با وجود این «رُش هَشانَا» بما خاطر نشان میکند که هر اجتماعی از ترکیب «فردها» بوجود می‌آید و هر فرد دارای افکار، امیدها، آرزوها و ترس‌های مخصوص بخویش است. هیچ فردی قادر به رسیدن به آرزوها و غلبه بر مشکلات خویش نیست مگر آنکه فکر کند و تحقیق نماید و عمل کند و در حقیقت بخویش کمک کند. در تلمود «مَسِخَت سَنهدَرین» مثالی آمده است که این عقیده را بیشتر توجیه میکند. این مثال چنین است:

اگر انسانی قالب سکه‌ای بسازد و با آن قالب هزاران سکه ضرب کند همه این سکه‌ها کاملاً یکسان بوده و با یکدیگر اختلاف نخواهند داشت. ولی ذات خداوند قالبی ساخته و میلیون‌ها سکه با آن ضرب میکند و هیچکدام از این سکه‌ها با دیگری تشابهی ندارد. منظور این است که ذات خداوند با وجودیکه تمام انسانها را از آدم ابولبشر بوجود آورده معذالك هر «فرد» با دیگری از لحاظ افکار و شخصیت و انتخاب روش زندگی متفاوت است. اگر فرد در انتخاب روش زندگی و خدا

شناسی منحرف شود، در حقیقت اجتماع از موجود مفید و مؤثر و از برکت و نوری که قرار بود بوسیله خداوند بآن فرد اعطا گردد محروم میماند.

نام‌های مختلف «رُش هَشانَا»

در منابع مختلف مذهبی یهود چهار نام برای «رُش هَشانَا» ذکر شده است.
الف - «رُش هَشانَا» که متداول‌ترین نام است. «رُش» - سریا آغاز - «هَشانَا» - سال.
ب - «یوم تروعا» - در «تورا» این روز به نام «یوم تروعا» روز نواختن «سَرنا» ذکر شده است.

ج - «یوم هَدین» - روز داوری.

د - «یوم هَزیکارُون» - روز یادآوری.

منظور از روز «یادآوری» چنین است که در این روز ذات خداوندی مخلوقات خویش را مورد تفقد قرار میدهد. البته بکار بردن کلمه «یادآوری» جنبه مثال دارد و بزبانی است که ما انسانها قادر بدرك آن هستیم. حاشا و استغفراله، برای ذات خداوند یادآوری یا فراموشی نمیتوان قائل شد. دانشمند بزرگی میگفت: در نمازهای «رُش هَشانَا» ما میگوئیم: «ذات خداوند مطالب فراموش شده را بیاد میآورد». بشر مغرور فقط از خوبی‌های کوچکی که در زندگی میکند آگاه است و آنرا بخاطر میسپارد ولی اشتباهات و خطاهای خود را همیشه از یاد میبرد اما ذات حق به این خطاها واقف است و با وجود این با تفقد خویش آنها را به حساب نمیآورد. در مورد شخص امین و درستکار که همیشه اشتباهات و خطاهای خویش را بخاطر داشته و اعمال نیکوی خود را کم و ناچیز میداند خداوند میفرماید: او اعمال نیکویش را فراموش کرده است ولی من آنها را فراموش نخواهم کرد.

فصل دوم

قوانین و مراسم «رُش هَشان»

ماه الّول

در تقویم یهودی ماه «الّول» آخرین ماه سال است . ولی از لحاظ ترتیب ماه شماری ماه ششم محسوب میشود . ایام اینماه مقدس بوده ودرطی آن ، خود را برای سال جدید آماده میکنیم در «پیرقه رَبّی الیعِزَر» (رسالات رَبّی الیعِزَر) (۱) آمده است دراول ماه «الّول» حضرت موسی (ع) برای دومین بار جهت دریافت «تورا» بیالای کوه رفت و مدت چهل شبانه روز در آنجا بسود ، روز «کیپور» مراجعت فرمود و دو لوح حاوی ده فرمان را برای ملت اسرائیل بارمغان آورد .

طبق سنن و مراسم یهودیت ، دراین چهل شبانه روز هر فرد یهودی باید مواظب اعمال و رفتار خود باشد . تقویم زندگی خصوصی سال گذشته را مورد مطالعه قرار دهد ، به توبه بیندیشد ، صدقه بدهد و بهم نوع خود احسان نماید ، نماز گذارد . اگرچه تمام این وظائف و فرائض را میباید درطول سال نیز انجام داد . برای اینکه اهمیت و هیبت این چهل روز بیشتر تاکید شده باشد در ماه «الّول» هرروز صبح پس از ادای نماز صبحگاهی در کنیساها سَکِر نَا (شوفار) نواخته

۱- مجموعه ایست از احادیث و سنن یهود که تالیف آنرا به عالم معروف قرن دوم میلادی «رَبّی الیعِزَر بن هورکانوس» معروف به کبیر نسبت داده اند .

میشود ولی روز قبل از «رُش هَشانَا» نواختن آن قطع میشود تا فرقی بین روز «رُش هَشانَا» و سایر ایام ماه «الول» وجود داشته باشد و تمایزی بین نواختن اختیاری «شوفار» در ماه «الول» و نواختن اجباری «شوفار» در «رُش هَشانَا» قائل شده باشیم.

قرائت فصل بیست و هفتم از مزامیر حضرت داود (ع)

در بعضی از جوامع یهودی، منجمله یهودیان ایرانی، این فصل زیبا و عمیق، بعد از هر نماز صبحگاهی تلاوت میشود ولی در جوامع دیگر یهودی این فصل فقط در اول ماه «الول» تا پایان آخرین روز ماه عید «سوگوت» قرائت میشود دلیلی که برای آن اقامه میشود چنین است:

در آیه اول آمده است «خداوند نور من و نجات من است» و در آیه پنجم «زیرا که در روز بلا مرا در پناه (سایبان) خود میگیرد (مستور میکند)». علمای یهود این آیات را چنین تفسیر میکنند که خداوند نور من در «رُش هَشانَا» و نجات من در روز «کیپور» و مرا در پناه خود حفظ مینماید در «سوکا» است.

افکار عالیة دیگری در این سرود گنجانده شده است بطوریکه آنرا تبدیل بیکی از مناسبترین نمازها برای این ایام کرده است. توکل و ایمان بذات خداوند، تمنای گذراندن ایام عمر در جوار تعالیم الهی، تمام این عواطف و احساسات ناشی از برانگیخته شدن حس خویشتن نگری و توجه به باطن است. آخرین آیه این «میزمور» که در آن از الطاف الهی صحبت میشود، بمثابة ندای قوی و قدرتمندی است، نمازگذار را تشویق بپایداری و استقامت مینماید. بدین علت است که علمای یهود چنین تعلیم داده اند که اگر شخص نمازگذار و مورد اجابت واقع نشود، باید دومرتبه نمازگذار، زیرا در آخرین «میزمور» چنین آمده است: بامید خداوند باش، قوی شو، دلت شجاع گردد و بامید خداوند باش.

«سَلِيحُوت»

از دومین شب ماه «الول» در اواخر شب ، پارسایان ، زاهدان ، و افراد عادی در کنیساها اجتماع کرده و مجموعه نمازهای مخصوصی را که بنام «سَلِيحُوت» معروف است با تضرع و التماس میخوانند. کلمه «سَلِيحُوت» از لغت عبری «سَلَح» مشتق شده و معنی آن بخشیدن و آمرزیدن است . خواندن «سَلِيحُوت» تا روز «کیپور» ادامه دارد.

مجموعه «سَلِيحُوت» اساساً نوعی سرود مذهبی است و هدف آن توصیف احساسات درونی و مذهبی فرد و اجتماع ، درخواست بخشایش از خداوند و توبه از خطاها است . در موارد مختلف در کتاب مقدس تاکید شده است که «سَلِيحُوت» (بمعنی بخشایش) به اراده ذات خداوند بستگی داشته و بانسانی اعطا میشود که از اعمال بد خویش اظهار ندامت کرده ، توبه کند . آیات ذیل مبین این نظریه میباشد:

رحمت و مغفرت از آن خداوند است (دانیال - فصل ۹ آیه ۹) .

بخشایش نزد تو است تا از تو بترسند (مزامیر داود - فصل ۱۳۰ آیه ۴) .

اما تو خدای غفور و کریم و رحیم و دیر غضب و کثیر احسان بوده ایشان را ترك نکردی (نحمیا فصل ۹ آیه ۱۷) .

هر که گناه خویش را اعتراف کند و آنرا ترك نماید رحمت خواهد یافت

(امثال سلیمان - فصل ۲۸ آیه ۱۳) .

دومین این نوع آیات سیزده صفت الهی است که در سفر «شموت» (فصل ۳۴ آیات ۶-۷) آمده است و اهمیت فوق العاده دارد بر حسب احادیث «تلمود» ذات خداوند گفتن این صفات را بحضرت موسی (ع) تعلیم داد.

قسمت های مختلف مجموعه «سَلِيحُوت» در يك زمان واحد و در يك مكان معین تالیف نشده اند بلکه این مجموعه در زمانهای مختلف و بوسیله افراد جوامع

مختلف یهودی برشته تحریر و نظم در آمده است . قدیمی ترین نسخه «سلیحوت» در «سیدوری» است که «راوعمرام گائون» در قرن نهم میلادی تالیف نموده است . ساختن این نوع اشعار مذهبی تا قرن شانزدهم ادامه داشته است . در «سلیحوت» های سفارادی که مورد استفاده یهودیان ایران نیز میباشد ، هدف و متن اصلی «سلیحوت» یعنی التماس و درخواست انسان از پیشگاه خداوند و طلب بخشایش بخوبی حفظ شده است . ولی در «سلیحوت» های برادران اروپائی ما راجع بروی دادهای ناگوار تاریخی ، مخصوصا از شهیدانی که خون آنان به ناحق ریخته شده است ، نیز مطالبی آورده شده است .

زیارت اموات

در بین جوامع یهودی چنین رسم است که در طول ماه «الاول» بزیارت قبور گذشتگان و عزیزان ازدست رفته خود بروند . اساس این رسم بر این عقیده پایه گذارده شده که گذشتگانی که با پارسائی و صداقت زیسته اند قادرند شفیع های مطمئنی برای زندگان باشند . از طرف دیگر اعتماد بیش از اندازه باین عقیده مغایر با دستورات مذهبی یهود است . بسیاری از مربیان و آموزگاران یهود مردم را از نماز گذاردن بنام رفتگان و ادای نام آنان در نماز و یا آنان را مورد خطاب قرار دادن بر حذر داشته اند . درحقیقت فلسفه زیارت اموات تجلیل و یاد عزیزانی است که دیگر در میان ما نیستند .

مراسم شب «رُش هَسانا»

قبل از غروب آفتاب بانوی خانواده در محلی که میز شام مخصوص شب «رُش هَسانا» چیده شده دو شمع آماده کرده و بعد از گفتن براخای زیر آنها را روشن میکند :

بَارُوحَ اَنَا اَدُونَايِ الْوَهِنُومَلِيخْ هَاعُولَامِ اَشْرَقِيدِ شَانُو

بِمِصُوتَا وَ وِصِيَوَانُو لِهَدَلِيقِ نِرِ شِلِ يَوْمِ طُوو

و اگر شب «رُش هَشان» با شب «سَبات» مصادف شده باشد باید بجای براخا
بالا این براخا را گفت:

بَارُوحَ اَنَا اَدُونَايِ الْوَهِنُومَلِيخْ هَاعُولَامِ اَشْرَقِيدِ شَانُو

بِمِصُوتَا وَ وِصِيَوَانُو لِهَدَلِيقِ نِرِ شِلِ سَبَاتِ وَيَوْمِ طُوو

بعد از خاتمه نماز شب «رُش هَشان» رسم است که سال جدید را بدوستان
باین طریق تبریک و تهنیت گوئیم «انشاله در سال آینده در کتاب زندگی نوشته
شوی» بعد از شب اول «رُش هَشان» این جمله را تغییر داده و برای دوستان آرزوی
«گَمَر حَتِیما طُوو» میکنم یعنی «انشاله در کتاب زندگی برای همیشه مهر گردی».
البته این رسم بر اساس و پایه عقیده علمای یهود بنا نهاده شده است. آنها چنین عقیده
دارند که نام انسان صدیق و درستکار بلافاصله در سر آغاز سال جدید در دفتر زندگی
به ثبت رسیده مهر میشود. اگر توجه فرموده باشید برای دوستان سال «خوب و
خوش» آرزو نمیکنیم زیرا «خوشی و خوبی» امری نسبی و تا حدی مصنوعی است.
خوشحالی و رضایت موقعی قابل حس است که شخص زندگی را صرف کسب
فضائل انسانی و اخلاقی مافوق قدرت خویش نماید. آنوقت «خوبی و خوشی»
را بدست آورده است.

شام «رُش هَشان»

بعد از مراجعت از «کنیسا» مراسم شب «رُش هَشان» با گفتن قیدوش با جامی
از شراب شروع میشود. شرکت کنندگان دست خود را شسته (نَظِیلا گَرفته)،
«هَمُوصِی» میگویند و لقمه «هَمُوصِی» را در شکر یا عسل فرو برده میخورند. و

سپس به ترتیب مراسم ذیل را بجا میآورند :

سیب و عسل - هر يك از شركت كنندگان قطعه سيبی در عسل فرو برده و بعد از گفتن «برخا» میل میکند . ولی قبل از خوردن آن درخواستی میشود یعنی از خداوند میخواهیم که سالی نیکو و خوب برای ما مقرر فرماید و سالی که درپیش داریم توام با سعادت باشد. در عرفان یهودی سبب علاوه بر شیرینی سمبل قدرت الهی نیز محسوب میگردد . و چنین توجیه میشود : هم آهنگی زیبای رنگ سرخ و سفید سبب که سمبل قدرت الهی است بوسیله عشق و علاقه بوجود آمده است.

قره سبز - مقداری تره با گفتن برخای «هاآداما» میل میشود . در دعا درخواست میکنیم که افکارشوم بد خواهان، نافر جام مانده و عملی نشود. در اینجا متذکر میشویم که تمام این مراسم دارای جنبه‌های سمبلیک است و در انتخاب کلمات مواد خوردنی و معنای سمبلیک آنان بصورت زیرکانه‌ای بازی با لغات و معنای آنها مورد توجه قرار گرفته است برای مثال :

لغت عبری تره «کرتی» است این کلمه از ریشه‌ای مشابه با کلمه «کارت» بمعنی نابود شدن یا از بین رفتن مشتق میشود . ما درخواست میکنیم که افکار بدخواهان ما بی اثر شده و بمرحله عمل درنیاید.

چغندر - قبل از اینکه صرف شود ، درخواست میکنیم که شرك و خداشناسی از جهان ریشه کن شود و افکار پلید نیز از ما دور گردند. باز در اینجا از بازی با لغات استفاده شده است . در زبان عبری به چغندر «سَلِق» گفته میشود و این کلمه از ریشه‌ای مشابه با ریشه «هیستَلِق» به معنی دور شدن مشتق میشود، ضمناً این کلمه معنی نابود شدن نیز میدهد .

خرما - قبل از خوردن تمنا میکنیم که انگیزه ارتکاب خطا و خود خطا و خطاکاران از روی جهان محو شوند.

کدو - از خداوند درخواست میکنیم که اگر تقدیر بدی در سال آینده در انتظار ما است آنرا باطل فرموده و بجای آن فضائل و امتیازات ما در حضورش بحساب آیند.

ماهی یالوبیا - ماهی سمبل باروری است . از ذات پروردگار درخواست میکنیم که اعمال نیکوی ما در سال آینده بسیار گردند.

گوشت سر گوسفند - تمنا داریم که در سال آینده شخص موفق و جزو پیشروان اجتماع باشیم و بین شکست خوردگان نباشیم ضمناً شایستگی جد خود حضرت اسحق (ع) را که حاضر شد در راه حق قربان شود شفیع قرار میدهیم . سپس شام صرف میشود و برکت بعد از خوراک «پیرکت همازون» رامیخوانیم.

تَشْلِيخ

حضرت «میخا» (ع) در آخرین فصل کتاب خود از بخشودن گناهان بشری بوسیله پروردگار صحبت میکند. او میگوید: «او باز بر ما رحمت خواهد کرد ، خطاهای ما را مقهور خواهد ساخت و تمام گناهان را بعمق دریا خواهد انداخت». فصل ۵ آیه ۱۹ .

براساس این آیه در بین جوامع یهودی رسمی پدیدار گشت و آن چنین است که در بعد از ظهر روز اول «رُش هَشانَا» (اگر روز اول «رُش هَشانَا» با روز شبات مصادف شود روز دوم «رُش هَشانَا») هر یهودی بکنار رودخانه ، دریا و یا آب روان میرود و مراسم «تَشْلِيخ» را انجام میدهد . (در صورتیکه رودخانه ای در شهر نباشد و یا شهر بدریا نزدیک نباشد میتوان با باز کردن شیرآبی مراسم «تَشْلِيخ» را در حیاط هر کنیسا انجام داد) و آیه فوق و سایر نمازها و سرودهایی که متون آنها حاکی از توبه است تلاوت مینماید .

در تلمود ذکری از مراسم «تَشْلِيخ» نیامده است. اولین مرتبه این رسم صریحاً

در آثار علمی عالمی بنام «یعقوب مؤن» که در اواخر قرن چهارده میلادی میزیست ذکر شده است. عده‌ای از علمای یهودچنین عقیده دارند که ریشه‌های مراسم «تشیخ» غیر یهودی است. اگر این عقیده صحیح باشد مریبان یهود در طول قرون آنرا از شکل بیگانه خارج کرده بصورتی یهودی و پاک در آورده‌اند.

تفاسیر زیادی راجع به «تشیخ» نوشته شده است که ما چند مورد را ذکر میکنیم. بعضی‌ها رودخانه را سمبل بیشکلی جهان قبل از صورتگیری آن توسط خداوند دانسته‌اند. در این مرحله از آفرینش آب‌ها سطح خشکی را فرا گرفته و نظم و ترتیب و مرزی بین آب و خشکی نبود. بنابراین رودخانه «یادبودی» است از خاطره آفرینش جهان. عده‌ای دیگر چنین میگویند: موقعیکه حضرت ابراهیم (ع) رهسپار کوه «موریا» بود تا فرزندش حضرت اسحق (ع) را قربان کند، شیطان برای منصرف کردن آن حضرت از انجام فرمان خداوند بصورت رودخانه‌ای خروشان و خشمگین راه را براو بست. اما حضرت ابراهیم (ع) بدون در نظر گرفتن این مانع خود را برودخانه افکند و از آن عبور کرد و بدین وسیله نشان داد که هیچ مانعی قادر نیست مرد مومن را از تصمیم خود و اطاعت از امر خداوند بازدارد. بعضی دیگر مینویسند که ماهیان رودخانه هرگز چشمان خود را نمیبندند و همیشه چشمانشان باز است. این چشمان سمبل آگاهی خداوند و نظر لطف ذات او نسبت بموجودات است. با وجود تفاسیر زیاد بعضی از مریبان عالیقدر یهودی مانند «ربی الیاهو» اهل ویلنای روسیه که معروف به «گائون شهر ویلنا» است. مراسم «تشیخ» را انجام نداده و بعد از ظهر روز «رش هسانا» را به مطالعه «تلمود» و تلاوت «تهیلیم» میگذرانند.

فصل سوم

تفیلاهای (نمازهای) «رُش هَشانَا»

قدمت برخی از تفیلاهایی که در «سیدور» کتاب نماز وارد است بدوران برقراری خانه مقدس اول میرسد. از این دوره ما سه «تفیلا» میشناسیم. این سه تفیلا عبارتند از: تلاوت قسمتی از «تُورا»، قرائت «شَمع اِسرائل» و تفیلائی ساکت که ما امروز آنرا «لَحَش» یا «عَمیدا» مینامیم. لغت «عَمیدا» از ریشه سه حرفی «عمد» یعنی ایستادن مشتق میشود و از این رو است که این نماز ساکت، در حال ایستادن گذارده میشود. دو قسمت آخر تا با امروز بخش اساسی نمازهای صبح، ظهر و شب هر یهودی را تشکیل میدهند. بمرور زمان نمازهای دیگر به آنها افزوده شد تا اینکه «سیدور»، کتاب نماز، که معنی آن نظم و ترتیب است بصورت کنونی آمد. هر تفیلائی «عَمیدا» دارای سه قسمت کلی و هر قسمت نیز سه بخشهای کوچکتر تقسیم میشود که هر یک بیان کننده فکر و درخواست مخصوصی است. متون قسمت دوم تفیلائی «عَمیدا» بر حسب موقعیت‌های زمانی تغییر مییابد. در «شَبات» و یا در اعیاد این قسمت به شرح کیفیت «شَبات» یا آن «عید» میپردازد. در «رُش هَشانَا» و روز «کیپور» این قسمت با کلمات «اَووِخِن قِن یَعِدِخَا» شروع میشود که در آن آرزوی برقراری سلطنت الهی بر روی زمین و برادری میشود. این تفیلا بسیار قدیمی است و تالیف آنرا بعالم و مربی معروف «آبا آریخا» معروف به

«راو» نسبت می‌دهند. روانی، سلاست و قدرت این نماز، خواننده را بیاد سخنان پرمعنی و هشداردهندهٔ انبیای یهود می‌اندازد. در این نماز تمنای نمازگذار فرارسیدن دورانی است که بدی از روی زمین ریشه کن شود و بشر با شناختن و ایمان بذات خداوند متحد و مساوی شوند. باز درخواست می‌کند که «شرارت» مانند دود که در فضا پخش و محو می‌گردد، نابود شود. بیان‌کننده این عقیده زوجه عاقل و عالم «رَبِّی مَئِیْر»، «پروریا» است که میگفت هرگز برای از بین رفتن شریران نباید نمازگذار بلکه باید برای نابودی شرارت از روی زمین دعا کرد.

این نماز مبین آنست که هر یهودی در آغاز سال، موقعیکه مکنونات قلبی خویش را در حضور پروردگار بازگو میکند تنها بفکر خود و ملت خود نبوده بلکه درخواست می‌کند که صلح و صفا و برکت به همهٔ افراد بشر اعطا گردد و بشر بسلطنت ذات حق آگاهی یابد و قوانین اخلاقی الهی را بجای آورد. این نماز بخوبی ثابت می‌کند که اتهامات ناروایی که به یهودیت و یهودیان وارد میشود و آنها را ملتی مخصوص و متوجه بخود و غافل از دیگران قلمداد می‌کند چقدر مغرضانه و بی اساس است.

تفیلای دیگری بنام «موساف» که به نمازهای صبح اضافه شده‌اند همگی حاکی از تفکر بشر در اعمال صانع و رابطه ذات او با بشر است. این اضافات خلاصه‌ای از ایمان یهود را در بر دارد، از خلال آن تعالیم خداوند، انبیا و پارسایان یهود بخوبی مشهود است. اساس عمیدای «موساف» را سه گروه از آیات تشکیل می‌دهند که هر گروه بنامی معروف‌اند. آیات گروه اول را «مَلَخוּיּוֹת» بمعنی شهربازی یا پادشاهی، آیات گروه دوم را «זִיخְרוּנוֹת» بمعنی یادآوری‌ها و آیات گروه سوم را «שׁוֹפָרוֹת» گویند.

تالیف و تنظیم این سه گروه آیات به عالم معروف «راو» (۱) نسبت داده شده است. «راو» برای تالیف آیات این سه گروه از تقسیم‌بندی کتاب مقدس الهام گرفته است. کتاب مقدس به سه قسمت کلی تقسیم میشود. «تورا» که شامل پنج کتاب حضرت موسی (ع) است. «نویثیم» (انبیا) که شامل کتب پیغمبران و کتب تاریخی است، «کتوویم» (نوشته‌های مقدس) مانند مزامیر حضرت داود (ع)، امثال حضرت سلیمان (ع) و ایوب و غیره. هر گروه شامل ۱۰ آیه است که سه آیه اول از «تورا»، سه آیه دوم از «انبیا» و بقیه از «کتوویم» (نوشته‌های مقدس) انتخاب شده اند.

ملخویوت

«ملخویوت» با تفیلاي «عالنویثیم» شروع میشود. «عالنویثیم» سرود زیبا و پر معنائی است که در پایان هر نماز خوانده میشود. در آن ملت اسرائیل از الطاف خداوند تشکر کرده و از اینکه به یکنائی حق واقف است شکر گذار است. در انتظار فرا رسیدن دورانی است که بشریت سلطنت الهی را بر خود قبول کند و فرزندان آدم فقط نام اعظم او را بزبان جاری سازند. سپس بوسیله آیاتی از «سفر شموت»، «بمیدبار» و «دواریم» با چند آیه از «تیهیلیم» (مزامیر حضرت داود

(۱) «راو» که نام او «آباریخا» است در بابل بدنیا آمد. در جوانی برای تحصیل «تورا» نزد «ربی یهودا هناسی»، مولف «میشنا» که اولین مجموعه قوانین یهودی است، بسرزمین مقدس رفت و بعد از کسب اجازه از مربی خویش به بابل بازگشت. بخاطر فعالیت‌های شبانه روزی «راو» در راه تعلیم و تعمیم «تورا» بابل تبدیل بمركز روحانی یهودیان گردید. دانشکده معروف شهر «سورا» را برپا کرد و از این دوره تا اوائل قرن یازدهم بابل مرکز علمی و روحانی یهودیان جهان بود. باید خاطر نشان ساخت که الطاف شاهان ایرانی و آزادی و امنیتی که یهودیان بابل از آن برخوردار بودند بیشتر باعث رونق دانش «تورا» در میان آنان گردید

و کتب انبیاء ادامه مییابد و در آخر آیه «شمع اسرائیل» که شعار توحید یهودیان است خوانده میشود.

زِیخْرُو نُوت

این قسمت نیز بسا سرودی در بسارۀ بزرگواری ذات حق و الطاف او بر مخلوقاتش شروع میشود و در آن یکی از اصول توحید یعنی مشیت الهی بر هر موجودی مندرج است نام «نوح»، داستان و قولی که خداوند به نسل بشر بعد از او داد وارد است. خداوند میفرماید که نسل بشر زیاد خواهد گردید و در برابر خطر انهدام کلی قرار نخواهد گرفت.

در آثار مذهبی یهود اصطلاحی رایج است در آن بشر بطور کلی «فرزندان نوح» نامیده میشود و هر فرد پارسا و نیک رفتاری قادر است سعادت و حیات جاویدان برای خویش بدست آورد. طریق کسب آن پرهیزکاری و پیروی از قوانین معینی است که نظام و بقاء هر اجتماعی بر آنها استوار است. این قوانین عبارتند از :

۱) نهی شرك

۲) نهی كفر

۳) نهی قتل

۴) نهی زنا

۵) نهی دزدی

۶) نهی خوردن اعضای حیوانات چنانچه زنده و ذبح نشده است.

۷) دارا بودن دستگاه قضائی براساس عدالت

این تفیلا یکی دیگر از جنبه‌های دنیائی مذهب یهود را نمودار میسازد.

بعد از این سرود آیاتی از «تورا»، «کتوویم» و «نویشیم» آمده است و

آخرین آیه راجع به قربانی حضرت «اسحق» (ع) است.

شُوفاروٹ

این قسمت نیز با سرودی راجع به تجلی ذات خداوند بر کوه سینای که توأم با شنیدن صدای «شُوفار» بود شروع میشود و آیاتی در این باره از «تُور» آورده شده است. منظور اصلی آیات قسمت انبیاء و «کتوویم» مربوط به دوره ایست که «ماشیح» خداوند ظهور میکند و این ظهور همراه با صدای «شُوفار» خواهد بود. پیام و صدائی که در اقصی نقاط جهان شنیده خواهد شد. برای اینکه اثر بیشتری باین قسمت داده شود آیه‌ای از کتاب «بمیدبار» آورده شده است.

یاه شیمخا

بعد از تفیلاي «شحریت» نماز صبحگاهی، مجموعه‌ای از سرودهای مذهبی قرائت میشود. اغلب اشعار این مجموعه بوسیله شعرای دوره «عهد طلایی» (قرن ۱۲-۹) اسپانیا سروده شده است. این اشعار بازتانی از تفکرات درون شخص بسا ایمان است که در برابر عظمت عالم هستی و نظم و ترتیب آن مبهوت گشته ولی با وجود این بزبان انسان آنها را توصیف میکند. این اشعار نه تنها از لحاظ ساختمان شعری، بلکه از لحاظ دارا بودن معانی عمیق و عرفانی جزو آثار برجسته ادبیات یهودی محسوب میشوند.

«یاه شیمخا» نمونه‌ای از این نوع اشعار است که بوسیله «ربی یهودا هیلوی» سروده شده است.

جناب حاخام یدیدیا شوفت این سرود را ترجمه و تفسیر نموده و مقدمه‌ای کوتاه نیز راجع به «یهودا هیلوی» و آثار شعری او نگاشته‌اند که عیناً به نظر خوانندگان میرسد.

«یهودا هیلوی» دانشمند، فیلسوف، و شاعر یهودی در سال ۴۸۳۵ عبری (۸۹۸ سال قبل) در اسپانیا متولد شد. تحصیلات خود را در اسپانیا در رشته‌های

حکمت الهی ، طب ، فلسفه ، و منطق به پایان رسانید و بزبانهای عبری و عربی تسلط کامل داشت. او یکی از محصلین برجسته «رَبی اَسْحَق الفاسی» فقیه و دانشمند معروف یهودی بود. «هَلَوی» در جوانی طبع شعر گفتنش شکوفا شد و اشعار نغزی میسروده است. بطوریکه «رَبی مُشَه ابن عِزْرَا» که خود از اعظم شعرای هم عصر «هَلَوی» بوده او را میستوده و مفتون اشعار وی بوده است .

اشعار و قصائد «هَلَوی» بیش از سیصد قطعه است که برخی از آنها در «سَلِیْحُوت» ، و بعضی در ایام متبرکه و اعیاد مذهبی در بین تفیلاها خوانده میشود. اشعار «هَلَوی» دارای قدرت و نفوذ خاصی است. روح را نوازش میدهد ، دلها را میلرزاند و افکار عاشقان ذات خداوند را بعالم بالاتری سوق میدهد. در بیشتر اشعار او معانی و مفاهیم عرفانی عمیقی نهفته شده است که شرح آن در این مختصر نگنجد. دیوان اشعارش در سالهای ۱۸۰۰ ، ۱۸۶۴ ، ۱۸۹۳ و ۱۹۰۵ در پراگ ، ورشو و برلن بچاپ رسیده که در حقیقت هر يك منتهی از اشعار او میباشد .

«الْحَرِيزِي» یکی از شعرا و مترجمان عالیمقام یهودی درباره «هَلَوی» در کتاب «تَحْكُمُونِي» مینویسد : هیچ شاعری مانند «رَبی يَهُودا هَلَوی» قادر نیست که اشعارش مانند قطرات باران رحمت بزمین ضمیر فرود آمده و انقلابی عظیم در آن برپا کند و شعله های نورانی عشق به پروردگار از آن ساطع گردد و انوار آن تمام زوایای روح و ارکان وجود انسان را منور ساخته شراره آتشین این کلمات از دلها باوج آسمانها برسد .

در سن ۵۵ سالگی عشق و آرزوی دیدار شهر مقدس «یروشالیم» چنان حال «هَلَوی» را دگرگون کرد که ترك خانه و دیار کرده و بسوی «یروشالیم» رهسپار گردید . ولی آیا بآرزوی خویش رسید یا خیر اطلاع صحیحی در دست نیست . در افسانه ها آورده اند که «هَلَوی» به «یروشالیم» رسیده و در پشت دروازه های آن

به خاک افتاده و بر جلال ازدست رفته آن و ویرانی خانه مقدس گریه و مرثیه سرائی میکند عربی که از آن حدود عبور میکرد وی را در زیر سم اسب خویش بقتل میرساند. ترجمه و تفسیر ذیل نمونه کوچکی است از تألیفات این شاعر و فیلسوف عالیمقام است :

پروردگارا ازلی است نام شریف و مبارک تو ،
شمه‌ای از رفعت و بزرگواریت را توصیف کرده
و از بیان صداقت و عدالت عظمای تو خودداری نمیکنم
گوش هوش خود را بفرامین و اوامرت فرا میدارم
به ذات یکتا و بی همتایت ایمان واثق دارم
در باره ذات واجب‌الوجودت سؤال تردید آمیز نکرده
و در خصوص آن نیز آزمایش نمیکنم
چگونه قادر است مخلوق ناتوانی که از مواد جهان خاکی بوجود آمده
است به پیشگاه آفریننده خود و کائنات بگوید چه میکنی
اما از صمیم قلب خواهان درک نور لقای او هستم
و از درون قلب ذات پاکش را ملاقات میکنم
پروردگاریکه توکل و توسل به ذاتش عالیت‌ترین قلعه محکم و ملجأ و پناه است
پروردگاریکه مبدأ تمام کائنات است
و تمام انوار عالم ذره‌ای از نور لقای اوست
خدائی که بین ذات پاک غیب او و بین عاشقان و طالبان لقایش مانع
ورداع و پرده پوشی موجود نیست .

خداوندی که در هر زبانی تسبیح گفته میشود

پروردگاریکه در هر قلبی شریف خوانده میشود
ذوالجلالی که در مغز متفکری عالی و رفیع خوانده میشود
ایزد توانائی که در تمام ذرات جهان افراشته و عظیم میباشد

شکوه عظمت را، قدرت غیب بیهمتایت را
حتی تمام بروج و جنود آسمانها و کهکشانها توصیف میکنند
در وقت طلوع و هنگام غروب در پیشگاهت سر تعظیم فرود میآورند
فرشتگان بیشمار، در میان سنگ و آتش و آب
فرمان تو را اجرا مینمایند

همه کائنات شهادت میدهند که خدای یکتا و بیهمتا هستی
و تمام موجودات تو را سپاسگزاری مینمایند
پروردگاریکه لبها همه با مشیت و اراده تو حرکت میکنند
خداوندی که از اعماق دریاها تا ماورای کهکشانها را بامر مبارک خود از عدم
بوجود آورده ای همه را اداره میفرمائی
زحمت و خستگی برای ذات مقدست متصور نمیشود
جهان سفلی و خاکی را، عالم علیا و آسمانی را
دنیای ملائک و عالم ملکوت را،

بدون دست و بازو همه را هدایت و رهنمائی و حکومت میفرمائی
خدایا زبان کدام ناطق بلیغی قادر است عظمت و جلال پروردگار را
که موجد تمام موجودات است توصیف نماید
خداوندی که پرده سپهر بامر مبارکش گسترده شده است
پروردگاریکه از ازل تا ابد زنده و جاویدان است
ذات ذوالجلالی که از نظر تمام مخلوقات و مصنوعات خود مستور و پوشیده

است اما در تمام ذرات کائنات نور مبارکش متجلی می باشد
 با اراده خود حضرت بن عمرام (ع) را برتبه اعظم پیامبری نائل فرمود
 شخصیتی که در خاندان نبوت بیهمتا و یگانه بود
 در میعادگاه مقدس، به آن پیامبر مرسل، نور ذوالجلال خود را متجلی فرمود
 خداوند همان میعادگاه مقدس را برای همه پیامبران مبدأ و مأخذ نور نبوت
 مقرر فرمود
 تا هریک از آسمان مطابق ادراک و لیاقت خود از نور لقای احدیت
 استفاضه نمایند
 پروردگاری که ذات ذوالجلالش دارای هیچگونه جسم و شکل و ترکیب نمی باشد
 خداوندی که دارای هیچ تشبیه و تمثیل و هیئت نیست
 ذوالجلالی که عقل و فهم و ادراک تمام موجودات از درك ذات اقدسش عاجز می باشد
 خداوندی که قدرت کامله و حکمت بالغه اش بیحد و حصر و نامتناهی است
 اما نور باهر ذات مبارکش در انتظار پیامبران بش مهب و منیع و
 رفیع و عالی میبود.

تعریف از کبریائی حق از حد و حصر و شمار و بیان خارج است
 زیرا کدام عالم فصیحی قادر است حتی شمه ای از مدح و ثنای او را بیان کند
 اما سعادت مند کسی است که همیشه در فکر ذات مبارک اوست
 و از طریق تفکر و تعقل به قدرت صانع بیچون پی ببرد
 خوشابحال کسانی که باو توسل و توکل جویند
 خدائی که ممد و مساعد همه است
 خداوندی که عالم را در حدود معین و با قدرت جاذبه مخصوصی بوجود آورد
 خوشابحال کسانی که همیشه سپاس و مجد او را گویند.

خوشا بحال کسانی که همیشه در حال توبه و انابه بوده و درگاه او جویند
خوشا بحال کسانی که همواره راه فضل و عدل او پویند
خوشا بحال کسانی که اقرار به اعمال خود کرده و
طلب بخشش و آمرزش کنند

زیرا نتیجه اعمال هر کس دامنگیر خود او خواهد گشت
روز رستاخیز فرا میرسد و امروز روز دادخواهی خداوند متعال است
تمام افراد بشر را در دیوان عدالت عظمی خود محاکمه میفرماید.

ای که خود را اشرف مخلوقات میدانی
گرخواهی ذره‌ای از حقایق جهان هستی را درك نمائی
با علم و پاکی و چالاکی خود را آماده درك حقیقت کن
اول تأمل و تفکر در دستگاه عجیب و اسرار آمیز وجود خویش کن
با دیده بصیرت توجه کن که چیستی و کیستی
از کجا و از چه ذره ناچیزی ساخته شده‌ای
از چه مقام اعلائی اینهمه فهم و شعور و لیاقت و زیبایی بتو اعطا گردید
و چه قدرت نامرئی این همه نیرو و جهش و جنبش بتو داده است
اگر نيك دقت کنی به عظمت قدرت لایزال پروردگار متوجه شده
و وجدان تو این حقیقت بارز را گواهی خواهد داد
که فقط از طریق مصنوع ذره‌ای بوجود صانع پی خواهی برد
اما رسیدن به کنه ذات حقیقت خدا غیر ممکن است
زیرا نمیتوانی درك کنی که در پایان ابدیت چه خواهد شد
در آغاز چه بوده است

چون تنها ذات پاك خداوند عالم اين همه اسرار است
ودرك اين مكنونات عجيب از فهم و علم بشر تا ابد مستور و مكتوم خواهد بود.

فصل چهارم

منتخباتی از «تورا» و «هفطارا» که در «رُش هَشانَا» قرائت میشوند در روز اول «رُش هَشانَا» فصل بیست و یکم از «سِفِرِ برِشیت» انتخاب شده و قرائت میشود در این فصل از بدنیا آمدن حضرت اسحق (ع) تا رسیدن وی بسنین جوانی و معاهده صلح بین حضرت «ابراهیم» (ع) و «آوی ملیخ» پادشاه «گِرار» صحبت میشود. دلیل انتخاب این قطعه این است که برحسب احادیث یهود، حضرت «اسحق» (ع) در روز «رُش هَشانَا» چشم به جهان هستی گشود. پروفیسور «بیخلر» یکی از علمای یهودی قرن گذشته راجع به انتخاب این قطعه عقیده دیگری دارد. او مینویسد که در زمان قدیم در سرزمین اسرائیل قسمت بندی و تلاوت «تورا» در کنیساها با دوره ما فرق اساسی داشت. امروز ما از رسم یهودیان بابل پیروی میکنیم بدین معنی که «تورا» را به ۵۴ «پاراشا» یا «سیدرا» تقسیم کرده و هر «شَبات» يك «سیدرا» را قرائت میکنیم. ولی رسم یهودیان ساکن سرزمین مقدس این بود که هر «شَبات» به خواندن سه آیه اکتفا کرده و بیشتر به بحث و تفسیر و تعمق در همین سه آیه میپرداختند. بر اساس این تقسیم بندی آنها «تورا» را در هر سه سال يك مرتبه پایان میرسانند. نتیجه اینکه هر سه سال يك مرتبه تلاوت فصل بیست و یکم «سِفِرِ برِشیت» مصادف با «رُش هَشانَا» میبود. در دوران بعد اگرچه روش یهودیان بابلی مورد قبول جوامع مختلف یهودی واقع گردید با وجود این، رسم بسیار قدیمی

اهالی سرزمین مقدس در مورد تلاوت «تورا» در «رُش هَشان» بخوبی محفوظ مانده است .

نکته جالب این است که فصل بیست و یکم بلافاصله قبل از داستان قربانی حضرت «اسحق» (ع) که در روز دوم «رُش هَشان» تلاوت میشود آمده است. داستان حضرت «اسحق» (ع) جای مهمی در این عید دارد بنابراین مناسبترین فصل برای تکمیل داستان قربانی حضرت «اسحق» (ع) داستان بدنیا آمدن آن حضرت است. این انتخاب بسیار بجا و بمورد است .

نام عبری «اسحق» از ریشه لغت «صحق» بمعنای خندیدن مشتق میشود . این نام بطوری در آیه مربوط بکاررفته است که معنی «خنده استهزا آمیز» را میرساند. زیرا موقعیکه خبر بچه دار شدن حضرت «ابراهیم» (ع) و «سارا» زوجه آن حضرت شایع شد ، بعلت کهولت سن آنان باعث نا باوری مردم آن عصر و حتی خود آنان گردید . عده ای نیز با شنیدن آن عکس العملی جز خندیدن نشان ندادند . این خنده ها و ناباوری ها نشانه ای برای دوران آینده بود. تولد معجزه آسای حضرت «اسحق» (ع) سمبلی برای اولادان نسل های آینده وی گشت .

ظهور ملت یهود و متشکل شدن آن معجزه ای در تاریخ اقوام بود . زیرا از بدن های خمیده شده در زیر تازیانه، و روح های شکسته هده در زیر عذاب، بفرمان الهی و بکمک حضرت «موسی» (ع) ملتی افراشته با ارزش های بینظیر روحانی ، اجتماعی و دنیائی بوجود آمد. در تاریخ یهود بیش از چند مرتبه چنین بنظر می آمد که صفحات تاریخ موجودیت این ملت به آخر رسیده. طنین خنده های استهزا آمیزی که در هنگام بدنیا آمدن حضرت «اسحق» (ع) شنیده شد، هنگام خرابی خانه مقدس اول و دوم، بیرون راندن یهودیان از اسپانیا و سایر ممالک اروپا و شقاوت های وحشیان نازی و غیره نیز شنیده شد. اما در آخرین لحظات استهزا

کنندگان خاموش شدند و با حیرت شاهد معجزه دوباره بپا خاستن قوم یهود و شکوفان شدن آن در محیط جدید خود شدند .

شخصیت قابل توجه دیگر این فصل که نظر بسیاری از مفسرین کتاب مقدس را بخود جلب کرده است، «هاغار» مادر «ایسماعیل» است. در احادیث آورده اند که «هاغار» شاهزاده‌ای از خاندان سلطنتی مصر بود. با شنیدن بشارت توحید و عدل الهی بوسیله حضرت «ابراهیم» (ع) بخاطر پارسائی و تقدیس آن حضرت، ترك جلال و افتخارات دربار پدر خویش کرده و کنیزی حضرت «ابراهیم» (ع) را قبول میکند. سرگذشت اجداد ملت اسرائیل چنانکه در کتاب «پوشیت» آمده است علاوه بر ارزش‌های عالی مذهبی، از لحاظ ادبی بنوبه خود یکی از بزرگترین نمونه‌های آثار ادبی جهان است. افکار عمیق بصورتی بسیار فشرده در کلماتی بسیار ساده بیان شده است. برای مثال در داستان «هاغار» لغت «کمان» دو مرتبه بکار رفته است. موقعیکه «هاغار» در نهایت ناامیدی متوجه میشود که آخرین لحظات زندگی فرزندش نزدیک میشود، برای اینکه شاهد مرگ او نباشد وی را در زیر درختی نهاده و خود بفاصله «تیررس کمان» دور شده بتلخی گریستن آغاز میکند. اما پسر نجات میابد، بزرگ میشود و زندگی خویش را از راه «تیراندازی» تأمین میکند . در این داستان از طریق بکار بردن کلمه «کمان» در جملات پیامی بخواننده داده میشود و آن اهمیت تربیت اولیه فرزند در محیط خانواده است. مادری که درسخت‌ترین و بحرانی‌ترین لحظات زندگی «کمان» برای او بزرگترین سمبل قدرت و پناه محسوب میشود، کودکی که در دامانش پرورش داده خواهد شد از راه «کمان کشی» زندگی خود را تأمین خواهد کرد .

در این فصل باز یکی دیگر از صفات بینظیر حضرت «ابراهیم» (ع) بخواننده

معرفی میشود.

بشر دوستی و مهمان نوازی آن حضرت در جهان معروف است .
 احادیث یهود آورده‌اند : که حضرت «ابراهیم» (ع) روزها بر در خیمه خویش
 نشسته و در انتظار رهگذران گرسنه و محتاج بود تا بآنان کمک کند. در آیه ۳۳
 این فصل آمده است که آن حضرت در «بِئْرِشُوع» درخت گزی (اِشِل) غرس
 فرمود و در آنجا بنام خداوند نماز گذارد، در این آیه «اِشِل» بمعنای درخت گز
 ترجمه شده است هر يك از سه حرف این کلمه (اِشِل) میتواند مبین لغتی در زبان
 عبری باشد. این سه لغت عبارتند از : «آخیلا» بمعنی خوردن، «شتیا» بمعنی
 نوشیدن و «لوايا» بمعنی بدرقه کردن است. (حرف آخر را میتوان «لینا» نیز گفت
 بمعنی توقف شبانه در جائی) . حضرت «ابراهیم» (ع) با عشق و علاقه، این سه
 نوع احتیاجات هر رهگذری را صرف نظر از عقیده و ایمان او بر آورده میکرد.
 رهگذران از این همه لطف و مکارم انسانی، چنان تحت تأثیر واقع میشدند که
 شرك را رها کرده و به پیروان طریقت حق درمیآمدند.

هفتادای روز اول «رُش هَسانا»

معمولا هر شبات بعد از اتمام قرائت «تُورا» ، قسمتی از کتاب «انبیاء» و یا
 از آثار ادبی مقدس، «کتویم» انتخاب شده و قرائت میشود . این قسمت از لحاظ
 متن و موضوع رابطه غیر مستقیم با مطالب همان قسمت از «تُورا» دارد . البته
 در موارد استثنائی مطالب «تُورا» و «هفتارا» هیچگونه رابطه‌ای با یکدیگر ندارند.
 در روز اول «رُش هَسانا» «هفتارا» از فصل اول کتاب اول «شِموئِل»
 انتخاب شده است. «حَنا» مادر حضرت «شِموئِل» (ع) نیز مانند «سارا» (ع) زوجه
 حضرت «ابراهیم» (ع) نازا بود و خداوند او را صاحب اولاد میکند . علمای ما
 معتقدند که «تفیلا» و درخواست «حَنا» در روز «رُش هَسانا» اجابت شد.

او فرزند را چنان تربیت میکند که روزی نبی خداوند و رهبر روحانی ملت «ایسرائل» میگردد. بعنوان شکرانه از این موهبت «حَنّا» سرود زیبا و بینظیری میسراید. این قطعه زیبا بیان کننده احساسات درونی و عشق يك مادر یهودی است. «حَنّا» سمبل هر مادر یهودی است. مادری که در راه فرزندان و خانواده بفداکاری و از خود گذشتگی معروف است. مادری که بخاطر دارا شدن اولاد جشن میگیرد. اما بازتاب های معنوی درونی اش در روز عید آفرینش جهان قرائت میشود. عشق مادری در ادبیات یهود مکانی بسیار مهم دارد. در کتاب مقدس صفت عشق و دوستی ذات خداوند نسبت به بندگان و مخلوقاتش به عشق مادر نسبت بفرزند تشبیه شده است. حضرت «یشعیا» (ع) در فصل ۶۶ آیه ۱۳ کتاب خویش از جانب خداوند مینویسد: مانند کسیکه مادرش او را تسلی دهد شما را تسلی خواهم داد.

«حَنّا» با آرامی و سکوت «تفیلا» میخواند و از خدا طلب رحمت میکند. او در قلب خویش بدون اینکه صدایش شنیده شود تمنا میکند. از این روست که علمای یهود میگویند که نماز حقیقی نمازی است که از صمیم قلب و صفا ادا شود. کلمات نماز بایستی با آرامش، سکوت و صفای روحانی ادا گردند تا مورد اجابت واقع شوند.

تلاوت «تُورا» در روز دوم «رُش هَشانّا»

چنانکه قبلا تذکر داده شد، فصل بیست و دوم از کتاب «پِرشیت» برای روز دوم «رُش هَشانّا» انتخاب شده است. داستان اصلی این فصل قربانی حضرت «اسحق» (ع) بوسیله حضرت «ابراهیم» (ع) است که خلاصه آن بدین قرار است: خداوند به حضرت «ابراهیم» (ع) میفرماید که فرزند یگانه و مورد علاقه اش را که هستی، آرزوها، و آینده آن حضرت باو بستگی داشت، در بالای کوهی به

حضورش قربان کند. حضرت «ابراهیم» (ع) بدون هیچ چون و چرائی بفرمان الهی گردن مینهد، سحرگاهان برخاسته، فرزند را با خویش بطرف قربانگاه میبرد. در اثنای راه بتدریج هدف خویش را بفرزند میفهماند، فرزند با علاقه و اشتیاق و با کمال رشادت پدیر اجازه میدهد تا دست و پای او را بسته و بر قربانگاه قرار دهد. پدر کارد را بلند میکند ولی در آخرین لحظات ندائی آسمانی او را از اتمام عمل باز میدارد. قوچی نمودار میشود که بجای حضرت «اسحق» (ع) قربانی میشود. خداوند بحضرت «ابراهیم» (ع) نوید میدهد که بخاطر اطاعت و تسلیم در برابر اراده الهی نسلهای آینده او متبارک خواهند بود.

این داستان بدو صورت تفسیر و تعبیر شده است. گروهی آنرا نوعی اعتراض به رسم غیر انسانی مشرکان دوره حضرت «ابراهیم» (ع) میدانند. این مشرکان برای خوش آمد خدایان و آرام کردن غضبشان، فرزندان خود را قربانی مینمودند. بر اساس این نظریه مهمترین قسمت این واقعه آن لحظه ای است که ندائی آسمانی «ابراهیم» (ع) را از انجام قربانی باز میدارد. بدین وسیله معنا و مفهومی جدید در قاموس پرستش و عبادت بوجود میآید. خدای حقیقی خواهان مرگ پیروان خویش نیست بلکه خواهان حیات و ادامه زندگی آنان میباشد.

عده ای دیگر از علمای یهود چنین عقیده دارند که اهمیت این داستان حسن ختام آن نیست بلکه این داستان مبین سرسپردگی مطلق و بیچون و چرای حضرت «ابراهیم» (ع) در برابر فرمان خداوند است. «ابراهیمی» که خداوند باو قول میدهد که از فرزندش «اسحق» (ع) ملتی بوجود خواهد آورد و او با ایمان و اطمینان این قول را قبول کرده و طریقت حق و یکتا پرستی را در جهان نشر میدهد، ناگهان همان خداوند یکتا باو فرمان میدهد که نه تنها تیشه بر ریشه درخت امید و آینده خود زند، بلکه عملی از او میخواهد که مخالف و مغایر با روحیه و اخلاق اصیل

آن حضرت است . معهذا، علیرغم این تفکرات و احساس سنگینی غم برقلب و روان خویش، بدون تأمل و تردید فرمان الهی را بجای میآورد .

بزرگترین آزمایش در راه اعتقاد و ایمان واثق مذهبی ، آمادگی برای فدا کردن عزیزترین و پسر بهاترین علائق در راه ایمان است. ایمان بسهولة قابل حصول نیست، بلکه ایمان با تضادها و ناامیدی‌ها و همچنین حس اعتقاد عمیق همراه است. علمای یهود «عقدا» (قربانی حضرت اسحق (ع)) را از ده آزمایش مشکل دیگری که خداوند از حضرت «ابراهیم» (ع) بعمل آورد، بزرگتر میدانند . باین علت در نمازهای روز «رُش هَسانا» این امتیاز و شایستگی (زخوت) آن حضرت را شفیع قرار میدهیم و از خودگذشتگی پدری را که احساسات و عشق خود را زیر پاگذارده و با قلبی پاک فرمان الهی را انجام میدهد، خاطر نشان میسازیم. در احادیث یهود آمده است: بر بالای کوهی که حضرت «اسحق» (ع) قربان شد در دوران بعد «بت همیقداش» ساخته شد. یکی از علما چنین نقل میکند: روزی استادش نسبت بجوان با تقوی و متفکری که همراه استادی دانشمند و عالقدر بود احترام بیشتری قائل میشود. سپس عمل خویش را چنین توجیه میکند و میگوید «بت همیقداش» بزرگترین مرکز روحانی و ملی ملت یهود بر بالای کوه «سینای» جاییکه ده کلام خداوند نازل شد، بنا نگردید، بلکه بر بالای کوه «مُوریا» ، کوه کوچکی که بر بالای آن بشری بنام «ابراهیم» بجهان نشان داد که تا چه درجه از خود گذشتگی و انکار نفس میتوان رسید، ساخته شد .

هفطارای روز دوم «رُش هَسانا»

هفطارای روز دوم از فصل سی و یکم کتاب حضرت «ایرمیا» (ع) انتخاب شده است. آیات آخر این فصل با این روز رابطه دارند. در این آیات خداوند

میفرماید: آیا «افرائیم» (۱) فرزند عزیز و بچه دوست داشتنی من نیست؟ با اینکه گاهی در حق او بی لطفی میکنم ولی او را بخاطر آورده و بر او ترحم خواهم کرد. مطلب دیگر قابل اهمیت این فصل صورت اصلی عشق و علاقه مادری است که در قالب ادبی بسیار زیبا و مؤثری توصیف شده است. مادر ملت اسرائیل «راحل» در «راما» مدفون است. از اینکه فرزندانش به اسارت و غربت میروند بتلخی میگیرید و تسلی نمی‌پذیرد. اما خداوند او را تسلی داده و میفرماید: روزی فرا خواهد رسید که اولادان آواره دگر باربخانه پدر و به آغوش پر محبت مادر خویش باز گردند.

(۱) منظور از «افرائیم» ملت یهود است.

فصل پنجم

«شوفار»

«شوفار» یکی از قدیمی ترین آلات موسیقی است که تا کنون بشر آنرا شناخته است. میتوان آنرا به سهولت از شاخ حیوانات ساخت و بهمین علت در عالم قدیم در موارد مختلف از آن استفاده میشد. در کتاب مقدس موارد مختلف استعمال «شوفار» ذکر شده است.

معنای حقیقی کلمه «شوفار» معلوم نیست. برخی آنرا از ریشه «شوفار» بمعنی درخشان بودن یا تیز بودن دانسته اند. شاید بدلیل اینکه صدای آن تیز و نت‌هایی که از آن خارج میشود گوش خراش میباشند، چنین نامی برای آن انتخاب شده است.

عده‌ای دیگر این لغت را به داستان فتح «یریحو» بوسیله سپاهیان حضرت «یهوشوع» (ع) مربوط میدانند. در فصل ششم کتاب حضرت «یهوشوع» (ع) چنین آمده است که سپاهیان آن حضرت، روزی يك مرتبه در حالیکه هفت کاهن در پیشاپیش آنان در حرکت بودند و کُرَن می‌نواختند شهر «یریحو» را طواف میکردند. در روز هفتم هفت مرتبه این عمل تکرار گردید، حصارهای شهر فرو ریخت و شهر تسلیم شد. آنچه مورد نظر است ذکر لغت «شاخ قوچ» و لغت «شوفار» در آیه چهارم فصل ششم است. بطریقی که این لغت در جمله بکار رفته

است دارای همان معنی می باشد و بعبارت دیگر دو لغت مترادفند .

شاخ هر حیوان اهلی مانند قوچ، بز و بزکوهی برای ساختن «شوفار» و نواختن آن در روز «رُش هَشان» مناسب می باشد. اما علمای یهود برای شاخ قوچ مزیت و ارجحیتی مخصوص قائل شده اند زیرا در هنگام قربانی حضرت «اسحق» (ع) قوچی پدیدارگشت و بجای آن حضرت قربانی شد. بنابراین شاخ قوچ برای نواختن «شوفار» انتخاب شده است. تنها استثنائی که برای شاخ حیوانات اهلی قائل شده اند، شاخ گاو است. زیرا عده ای از ملت یهود در حساسترین مراحل تاریخ خود این حیوان را در بیابان پرستش نمودند. بدین علت در چنین روز بزرگ و عزیزی که هر یهودی در حضور خداوند ایستاده و از او طلب داوری توأم با رحمت و بخشش مینماید، شاخ گاو که بیادآورنده خطاهای گذشته است، بسیار نامناسب می باشد. در این باره گفته شده است که: دادستان نمیتواند وکیل مدافع نیز باشد.

علت نواختن «شوفار»

چرا در «رُش هَشان» «شوفار» نواخته میشود. صداهای مختلف «شوفار» علامت و نشانه چیست؟ قبل از اینکه باین سؤالها جواب داده شود بایستی سنتها و احادیث یهود را راجع به نواختن «شوفار» در این روز که در متن «تورا» در باره آن فرمانی داده نشده است مورد بررسی قرار دهیم.

گروهی از علمای یهود چنین عقیده دارند که ما نباید به جستجوی علت نواختن «شوفار» و یا اینکه چرا در «تورا» راجع بآن فرمان مخصوصی نیامده برآئیم، زیرا در انجام قسمتی از فرائض «تورا» فقط اطاعت محض بشر از اوامر قانونگذار الهی مورد نظر است. بشر با قدرت محدود فکری خود نمیتواند به

شکنه اسرار ناشناخته عالم هستی آگاهی یافته بآن پی برد. بنابراین یهودی پارسا خود را صمیمانه تسلیم اراده الهی کرده، با ایمان کامل بعقل کل بودن ذات الهی، از فرامین او متابعت میکند. گروهی دیگر از مربیان یهود نظریه دیگری ابراز میدارند. اینان معتقدند که اگر معنا و مفهوم فرامین «تورا» با دلیل محکم و برهان قاطع همراه باشد آنها را با شور و علاقه بیشتری انجام میدهند. این علما سعی دارند نشان دهند که مفهوم حکمت «تورا» برای بشر قابل درک است. اگر بشر برای فهم آن اهتمام و جدیت بخرج دهد قادر خواهد بود که معنای عمیق فرامین ظاهرا مبهم را دریابد.

یکی از علمای یهودی قرن چهاردهم میلادی «داوید بن یوسف ابودرهم» است. او در سال ۱۳۴۰ کتابی راجع به قواعد و تفسیر نمازها برشته تحریر درآورده است «ابودرهم» در این کتاب برای نواختن «شوفار» از قول «راوسعدیاسائون» (۹۴۲ - ۸۸۲) ده علت ذکر میکند که عبارتند از :

۱) «رُش هَسانا» روز آفرینش جهان و روز سلطنت الهی خداوند است. در روز تاجگذاری شاهان رسم است که شیپور نواخته میشود. ما بوسیله نواختن «شوفار» وفاداری و اطاعت خود را نسبت بذات خداوند ابراز میداریم.

۲) «رُش هَسانا» ابتدای ده روز توبه (تُشوا) است. در این ایام هر فردی موظف به ارزیابی اعمال و پی بردن بزندگی حقیقی و برگشت بسوی حیات معنوی و اخلاقی است. صدای «شوفار» بشارت دهنده شروع این مرحله از زندگی است. ۳) اعطاء «تورای» مقدس در کوه «سینای» همراه با نواختن «شوفار» بود. در روز اول «رُش هَسانا» با نواختن «شوفار» این خاطره بزرگ تاریخی را زنده کرده وفاداری و ایمان خود را به تعالیم «تورا» اعلام میکنیم.

۴) تأدیب و توبیخ انبیای یهود بصدای «شوفار» تشبیه شده است. در

«رُش هَسانا» ما تعالیم ارزشمند و جهانی انبیای بزرگ خویش را که هدف آن اصالت بخشیدن و بهبود کیفیت زندگانی بشر است بخاطر میآوریم .

(۵) «بِت هَمیقداش» در حالیکه فاتحان مشغول نواختن «شوفار» بودند خراب و ویران گردید و مرکز مقدس و روحانی عظیمی از روی زمین محوگشت. در این روز با نواختن «شوفار» این واقعه را بخاطر آورده تمنای تجدید افتخارات گذشته را داریم.

(۶) در داستان قربانی حضرت «اسحق» (ع) در آخرین لحظات قوچی پدیدار میشود و بجای آن حضرت قربانی میگردد. در این روز با نواختن «شوفار» ما امتیازات و شایستگی اجداد خود را بیاد آورده و تأکید میکنیم که از خودگذشتگی در راه خدمت و عبادت پروردگار یکتا، و اطاعت فرامینش اصل بزرگ مذهبی محسوب میشود.

(۷) یکی از انبیای یهود بنام «عاموس» (ع) در فصل سوم کتاب خود سئوال میکند آیا اگر «شوفار» در شهر نواخته شود مردم هراسان نخواهند شد؟ زیرا در قدیم صدای «شوفار» خبر از نزدیک شدن خطر میداد. ترس زیاده از اندازه در زندگی اثر مخرب دارد. در یهودیت با وجود اهمیتی که به زندگی داده میشود، از تذکر و تأکید ناچیز بودن، پستی‌ها و بلندیهای آن نیز کوتاهی نشده است. شیطانی وجود دارد که باید در دنیای خارج و درون خویش بر آن غلبه کنیم. باید بپاکی و طهارت روانی خود بحدی مطمئن باشیم که ترس از ذات پروردگار مفهومی شبیه به ترس و وحشت عادی نداشته باشد، بلکه باید در حضور ذاتش احساس آرامش و اطمینان کنیم.

(۸) یکی دیگر از انبیای یهود بنام «صَفَنیا» (ع) در فصل اول کتاب خود روز بزرگ عدالت الهی را تشبیه بر روز «شوفار» کرده است. «رُش هَسانا» بازتابی

از ابدیت است که باید در برابر عدل الهی حاضر شده و برای اعمال نیک یابد خویش داوری شویم.

۹) حضرت «یشعیا» (ع) در فصل سیزدهم کتاب خویش درباره «ماشیح» خداوند نبوت میکند و میفرماید که این ظهور با طنین صدای «شوفار» همراه خواهد بود. با فرا رسیدن چنین روزی ملت پراکنده یهود در سر زمین نیاکان خود جمع شده فصل جدیدی از تاریخ خود را شروع خواهند نمود. در چنین روزی صلح و صفا بر دنیا حکم فرمائی خواهد کرد، جنگ و نفاق و کشتار از آن رخت برمیبندد و قوانین و سلطنت الهی مورد قبول جهانیان خواهد بود.

۱۰) در روز قیامت «شوفار» نواخته خواهد شد. در «رُش هَشان» هنگامیکه ما برای زندگی دعا میکنیم بیاد میآوریم که روح بشر جاویدان است و کیفیت زندگی زودگذر ما میتواند دارای اثرات مهمی باشد.

گرچه این ده علت بوسیله «راوسعدیاسماتون» ذکر شده است ولی میتوان اکثر آنها را در آثار مذهبی قبل از زمان وی نیز یافت. برای مثال رابطه بین «شوفار»، «رُش هَشان» و کوه «سینای» را میتوان در آثار «فیلو» دانشمند یهودی اهل اسکندریه (قرن اول قبل از میلاد) نیز یافت. «فیلو» علت دومی ذکر میکند و مینویسد: «شوفار» در هنگام جنگ نیز نواخته میشود. در «رُش هَشان» با نواختن آن بجهانیان اعلام میشود که متأسفانه دیو سیاه و خانمان برانداز جنگ و کشتار هنوز در جهان مطلق العنان است و بدین جهت باید از خداوند بزرگ طلب نمائیم صلح جاویدان به بندگان خود اعطا فرماید. «مُشه میمون» معروف به «هارمبام» (۱۲۰۴ - ۱۱۳۵) بزرگترین فیلسوف و فقیه یهودی قرون وسطی در اثر بزرگ خود «ید هَحزاقا» یا «میشنه ثورا» راجع به توبه و رابطه آن با «شوفار» چنین مینویسد:

«با اینکه نواختن «شوفار» در «رُش هَشان» فرمسانی است الهی معهدا این فرمان فکر و پیامی نیز دربردارد و مانند آنست که بما میگوید:

ای که در زندگی بخواب غفلت فرو رفته‌ای از خواب عمیق خود بیدار شو، به اعمال تفکر کن و در آنها تفحص نما، پروردگار خالقت را بیدار آور، جزو کسانی مباش که حقیقت را گم کرده و بدنبال سایه‌های نا پیدار روانند، در زمره افرادی مباش که سالیان زندگی را در جستجوی چیزهای عبث و بیهوده که نه استفاده می‌رسانند و نه باعث رستگاریند می‌گذرانند، بضمیرت نگاه کن، بگذار اعمال بهتر شوند، نتیجه هر فکر و عمل شیطانی را قبلا پیش‌بینی کن».

عرفای یهود و اهل طریقت نواختن «شوفار» را بصورت عرفانی تشبیه و تفسیر می‌کنند. عاشق دلسوخته برای معشوق «شوفار» مینوازد. عاشق بیقرار (ملت اسرائیل) میکوشد محبت و نظر الهی را برانگیزد تا بدین وسیله رابطه‌ای بین عالم بالا و عالم خاکی بوجود آورد.

عده‌ای دیگر از عرفا صدای «شوفار» را تشبیه به نمازی بدون کلمات کرده‌اند در روح بشر احساساتی چنان عمیق و ریشه دار موجود است که نمیتوان آنرا بوسیله کلمات ابراز کرد. تنها راه ابراز آن بوسیله نت‌های «شوفار» است.

«شوفار» آلت موسیقی بادی است و نمودار روح بشر نیز میباشد. (در زبان عبری واژه «رووح» دارای دو معنی روح و باد است.) در «رُش هَشان» بشر باید از درخواست‌های روحانی خود آگاه باشد.

و بالاخره یکی از متفکرین معاصر یهودی صدای «شوفار» را چنین توصیف میکند. صدای «شوفار» ندائی است که ما را به شنیدن گریه‌های پنهان بشر و دردهای ناگفتنی جهان زندگی دعوت میکند. این ندا از ما می‌خواهد تا خود را

آماده کارزار با نیروهای مخرب و استثمارکننده روح و جسم بشر کنیم، تا شاهد روزی باشیم که اشک از گونه‌ها سترده و ناله و غم از لبان محو شوند .

صداهای «شوفار»

در فصل ۲۴ کتاب «بمیدبار» ، «رُش هَشانَا» بعنوان روز نواختن «شوفار» که عبری «یوم ترِوعا» نامیده میشود، معرفی شده است. «یوم ترِوعا» بزبان آرامی، «یوم یِبابا» یعنی روز «یِبابا» ترجمه شده است. در کتاب مقدس نیز کلمه «یِبابا» بصورت فعل متعدی که عمل آن بفاعل برمیگردد آورده شده است.

در زمان داوری یکی از داوران زن یهود بنام «دوْرا» ، جنگی میان اسرائیل و «سیسرا» سردار کنعانی پادشاه شهر «حَصُور» رخ میدهد که به پیروزی اسرائیل خاتمه مییابد. در حماسه‌ای که «دوْرا» میسراید چنین آمده است که مادر «سیسرا» در انتظار فرزندش که از جنگ برگشته است نشسته و از پنجره به بیرون مینگرد، «وَتِیبو» یعنی گریه میکند .

از آنچه که گفته شد چنین نتیجه میشود که «یوم یِبابا» ، روز گریستن است. روزی است که صدای ناله و گریه بوسیله «شوفار» شنیده میشود. سه نِت بنام‌های «تَقِییا»، «شِواریم» و «ترِوعا» بوسیله «شوفار» نواخته میشود. نِت «ترِوعا» را «یِبابا» نیز میگویند ولی راجع باینکه کدامیک از این سه نِت مبین صدای گریستن میباشد جواب قاطعی نمیتوان داد. بعقیده گروهی نِت «ترِوعا»، و گروهی دیگر «شِواریم» که معنای آن از ریشه کلمه شکستن مشتق میشود، مبین صدای گریستن میباشد.

در اکثر جوامع یهودی صد مرتبه این نِت با ترکیبهای مخصوص نواخته میشود. و این صد مرتبه نماینده صد ناله و گریه مادر «سیسرا» است. ولی در منابع قدیمی مذهبی یهود آنرا به حضرت «سارا» مادر حضرت «اسحق» (ع) نسبت میدهند.

زیرا هنگامیکه مادر «اسحق» (ع) خبر مییابد که آن حضرت دست و پای بسته بر روی قربانگاه قرار گرفته است بگریستن میپردازد. ولی در حقیقت دلیل قاطعی نمیتوان برای تعداد صد صدای «شوفار» اقامه نمود.

سه نت «شوفار» تشبیه به سه نوع بشر شده است. صدای محکم و قاطع «تقییا» نماینده انسانی پاک و روح متوازن است. صدای لرزان «تروعا» نماینده آدم شریرو پشیمان است. او از اینکه در برابر وسوسه های شیطان شکست خورده است باتاسف و پریشانی روح دست به گریبان است. صدای شکسته «شوا ریم» نماینده انسان میانه رو میباشد. انسانی که کاملاً نه پاک و متواضع و نه کاملاً شریر است. بلکه با صداقت سعی میکند بطرف کمال پیش رود، کیفیت اخلاقی زندگی خود را بهبود بخشد.

«شوفار» از طرف انتهای باریک آن نواخته میشود و صدای نت ها از انتهای بزرگ آن خارج میشود. در این باره آیه ای از فصل ۱۱۸ کتاب مزامیر حضرت داود (ع) آورده میشود و آن چنین است: در تنگی خداوند را (بکمک) خواندم، خداوند مرا با وسعت (بزرگی) اجابت فرمود. از ذات او میخواهیم که بما کمک کند تا خود را از قید نخوت، خودبینی و تنگ نظری نسبت به زندگی و مردم رهایی بخشد. بما کمک کند تا با نظری بلند و با دیدی وسیع بجهان زندگی بنگریم. بهمین دلیل شوفاری که در کنیسا نواخته میشود باید خمیده باشد. معنای آن این است که بشر باید تسلیم اراده ذات حق و فرامین او بوده و با افتادگی و پارسائی به جهان زندگی و هم نوع خویش بنگرد.

در نمازهای «رش هسانا» و روز «کیپور» ده ها مرتبه کلمه «حمیم» یعنی «زندگی» تکرار میشود. زیرا زندگی اولین موهبت و گرامی ترین نعمی است که خداوند به بشر عطا فرموده است.

در آغاز سال جدید ما برای همهٔ افراد دعا میکنیم و از ذات پروردگار درخواست مینمائیم که سال آینده سال رحمت، سلامتی و شادمانی بوده و از جنگ و نفاق و کینه دور باشد، در هر نماز تمنا داریم که شاهنشاه عزیز و گرامی ما و خاندان جلیل سلطنت در پناه حق پاینده و برقرار باشند و در زیر سایه بلند پایه‌اش سالی نیکو، توأم با صلح و آرامش پیشرفت‌های روزافزون برای همهٔ برادران ایرانی باشد.



شمعدان هفت شاخه از طلا که در «بت همیقداش» روشن میشد.

سفر شموئ (خروج) فصل ۲۵ آیات ۳۱-۳۶